



بررسی فقهی وظیفه‌مندی والدین در پرورش روحیه نوع‌دوستی در تربیت فرزندان

خدیدجه وحیدی*

چکیده

نوع‌دوستی یکی از ارزش‌های والای انسانی است که تضعیف آن در انسان موجب اختلال در روابط اجتماعی می‌شود و هر چه روابط اجتماعی به سردی گراید پایه‌های جوامع اجتماعی متزلزل خواهد شد. لذا با توجه به اینکه خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی انسان به شمار می‌رود وظایف سنگینی در این زمینه بر دوش دارد؛ پدر و مادر با تقویت روحیه نوع‌دوستی در فرزندان می‌توانند در این زمینه راهگشای آنان باشند. از آنجا که فقه برای همه عرصه‌های زندگی برنامه دارد و در بخش تربیت انسان از جایگاه مهمی نیز برخوردار است و با توجه به ورود الگوهای مختلف و بیگانه از روابط اجتماعی نادرست و گسترش آن در میان جوانان و نوجوانان، در این پژوهش به بررسی فقهی وظایف والدین در پرورش روحیه نوع‌دوستی در فرزندان پرداخته‌ایم و علاوه بر الگوهای رفتاری شایسته‌ای که برای خانواده‌ها در تربیت فرزندان ارائه شده، احکام تکلیفی مرتبط با آن نیز بیان شده است. قاعده وجوب حفظ نظام، قاعده اعانه بر برّ، قاعده حفظ علو اسلام و عزت مسلمین، قاعده اهتمام امور مسلمین از جمله ادله عامه بر وظیفه‌مندی والدین در تربیت اجتماعی فرزندان و قاعده وقایه، سیره عقلا و سیره حضرت لقمان از جمله ادله خاصه در این باب است. حکم فقهی اولیه در این باب استحباب و رجحان است و در صورتی که عدم اقدام والدین موجب ضرر و یا اضلال فرزندان و... گردد، حکم ثانوی وجوب و الزام به آن تعلق می‌گیرد. در این مقاله که به روش توصیفی، تحلیلی نگاشته شده است، بر اساس ادله عامه و خاصه به وظایف والدین در تربیت اجتماعی فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه نوع‌دوستی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: نوع‌دوستی، فقه، تکلیف، تربیت اجتماعی، دگر دوستی، بشر دوستی.



مقدمه

اسلام دینی جامع و کاملی است که برای همه ساحت‌های مختلف زندگی انسان برنامه دارد. قرآن کریم مهم‌ترین هدف ارسال رسل و بعثت انبیا را تزکیه و تعلیم بیان می‌دارد. از مهم‌ترین ساحت‌های تربیتی انسان، ساحت تربیت اجتماعی است، در این ساحت والدین، پرورش روحیه جمعی فرزندان، مسئولیت‌پذیری و دیگر روابط اجتماعی فرزندان را مورد توجه قرار می‌دهند. رفتارهای نوع دوستانه در زمره رفتارهای اخلاقی و تربیت اجتماعی جای می‌گیرد که در هر جامعه، یکپارچگی و اتحاد اعضای جامعه را در پی دارد و مهم‌ترین عامل پیوند اجتماعی، روابط بین شخصی و تقویت کننده حیات اجتماعی است. نوع دوستی اساساً یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است که تضعیف آن می‌تواند منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه گردد.

والدین به عنوان اولین مربیان کودک در زمینه پرورش رفتارهای نوع دوستانه در کودک نقش مهمی را بر عهده دارد، فرزندان اولین سال‌های عمر خود را تحت تربیت والدین قرار می‌گیرند و درصد زیادی از شکل‌گیری شخصیت آنان به این دوران زندگی بر می‌گردد. در این بخش از تربیت اجتماعی فرزندان، والدین به پرورش روحیه نوع دوستی در کودک، تقویت حس دگر دوستی و گرایش به زندگی جمعی و دوری‌گزینی از فردگرایی می‌پردازند. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که اسلام دینی اجتماعی بوده و همواره فردگرایی و انزواطلبی را مورد نکوهش قرار داده است. آموزه‌های دینی ما روابط سالم میان مردم را مورد توجه قرار می‌دهد و رسیدن به حیات طیبه و رشد و تعالی جامعه را در گرو روابط سالم میان افراد جامعه می‌داند.

در این پژوهش با بررسی ادله و قواعد فقهی، حکم فقهی وظایف والدین را در زمینه تربیت اجتماعی با تأکید بر پرورش روحیه نوع دوستی بیان کردیم.

در پیشینه این تحقیق، فعالیت‌هایی مانند:

۱. رساله دکترای جواد ابراهیمی با عنوان «بررسی فقهی وظایف والدین در تربیت اجتماعی فرزندان»؛

۲. پایان‌نامه جاسم تابع الحجه با عنوان «تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»؛

۳. کتاب «نقش فقه در تربیت اجتماعی»، تالیف رفسنجانی مقدم و... نگاشته شده‌اند.

آثار یاد شده هر کدام به نحو عام موضوع مورد بحث را در خود گنجانده‌اند، اما در این پژوهش سعی بر آن شده که با بررسی فقهی وظیفه‌مندی والدین در تربیت اجتماعی فرزندان به پرورش روحیه نوع‌دوستی تأکید شود.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. نوع دوستی

بشردوستی، محبت و دلسوزی در حق نوع افراد، نوع پرستی. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵/۲۲۸۵۸)

بر باور هاکنبری و هاکنبری (۲۰۰۷) نوع دوستی به معنای یاری و کمک کردن به افراد دیگر بدون داشتن انتظار منفعت یا پاداش شخصی است. در واقع، رفتار نوع دوستانه رفتاری است که بدون در نظر گرفتن پاداش‌های مادی و اجتماعی، مقصود از انجام آن، منفعت و یاری رساندن به دیگران است. (استاب، ۱۹۷۴)

به عقیده آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) که برای نخستین بار معنای نوع‌دوستی را با این عنوان خاص به کار برد، در انسان دو انگیزه وجود دارد که یکی از آن‌ها ناظر به خود و در پی منافع خود است و خودگرایی نام دارد و دیگری ناظر به دیگران و در جهت منافع دیگران است که «نوع‌دوستی» است. کنت بر نوع‌دوستی به عنوان پایه و اساس زندگی اجتماعی تأکید



می‌کند (اسکات و سلگو، ۲۰۰۷) و آن را مشتمل بر عواطف معقولی می‌داند که انگیزه منفعت‌رسانی به دیگران دارد و دارای پیامدهای اخلاقی است. (کین، ۲۰۲۲)

۱.۲. فقه

مطلق علم و آگاهی (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۳۷؛ ابن فارس، ۱۳۹۰ق: ۴/۴۴۲؛ فیومی، بی تا: ۲/۱۵۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۳۵۵) و مطلق فهم (جوهری، ۱۴۰۴: ۶/۲۲۴۳) درباره معنای اصطلاحی فقه نیز آمده است: فقه: العلم بالاحکام الشرعی. (علم الهدی، بی تا: ۲/۲۷۹)

العلم بالاحکام الشرعية الفرعية المستدل علی اعیانها بحیث لا یعلم کونها من الدین ضروره فخرج العلم بالذوات و الاحکام العقلية و النقلية و التقليدية و علم واجب الوجود و الملائكة و اصول الشریعه. (علامه حلی، بی تا: ۲/۱)

فخر المحققین می‌نویسد: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعية الفرعية المكتسبة عن ادلتها التفضيلية بالاستدلال». (حلی، ۱۳۸۷ق: ۲/۲۶۴)

۱.۳. تربیت

در لسان العرب، می‌نویسد: «ربا الشیء یربو ربواً و رباءاً: ای زاد و نما». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۱۴) ابن فارس نوشته است: «ربی أ: الرء و الباء و الحرف المعتل و كذلك المهموز منه یدل علی اصل واحد، و هو الزیاده و النماء و العلو...». (ابن فارس، ۱۳۹۰ق: ۲/۳۸۴) منظور از تربیت در مبحث حاضر عبارت است از:

فرایند کمک و یاری‌رسانی به متری برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل



انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا سازی استعدادهای او
یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست. (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۲۶)

۴.۱. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم برای متجلی ساختن ارزش‌ها و
ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد، به منظور مؤثر بودن او در برخوردهای اجتماعی اعم از
هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیر منطقی، توافق و سازگاری و اموری نظیر
این‌ها... (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۳۰۲)

۲. ادله عام وظیفه‌مندی مریبان در تربیت اجتماعی

در رابطه با وظیفه‌مندی مریبان در تربیت اجتماعی، قواعد و ادله فقهی فراوانی وجود دارد
که این موضوع نشان دهنده اهمیت این بخش از تربیت در اسلام می‌باشد، بررسی و تحلیل
محتوایی این ادله و اطلاق و شمول آن‌ها می‌تواند در استنباط حکم در این بخش از تربیت
مورد توجه قرار گیرد.

در اینجا به قاعده وجوب حفظ نظام، وجوب اعانه بر برّ، وجوب حفظ علو و عزت اسلام و
لزوم اهتمام به امور مسلمین می‌پردازیم.

۲.۱. قاعده وجوب حفظ نظام

یکی از قواعد عامه، وجوب حفظ نظام یا حرمت اخلال در نظام است. بررسی متون فقهی
نشان دهنده این است که منظور از نظام در بسیاری از موارد، حفظ نظم امور اجتماعی در
جامعه است. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۷۵)

از آنجا که مقدمه واجب، واجب است و حفظ نظم امور اجتماعی در جامعه اسلامی بدون
تربیت و آموزش مقدر و میسر نیست، پس این تربیت بر همگان به نحو واجب کفایی



است، اما نوعی درجه‌بندی در میان هر کدام از مربیان اعم از والدین، حاکمان، و سایرین وجود دارد. عرفاً والدین به عنوان اولین مربیان فرزندان، نقش ویژه‌ای در تربیت اجتماعی فرزندان داشته و شمول حکم، والدین را نه تنها والدین را هم شامل می‌شود، بلکه در اولویت نیز قرار می‌دهد.

۲.۲. قاعده اعانه بر برّ

ادله قاعده اعانه بر بر بیانگر یک تکلیف اجتماعی که همان تعاون و همکاری با دیگران است می‌باشد یعنی هر فردی در جامعه در قبال دیگران مسئول است. توسعه فضای اعانه و تعاون در جامعه مطلوب دین و شرع بوده و اقدام والدین در تربیت اجتماعی فرزندان مصداقی برای آن شمرده می‌شود. ادله عقلی و نقلی قاعده اعانه بر بر از جمله آیه قرآن دست‌کم بر استحباب اعانه دلالت دارد و به دلیل وجود قرائن مانعه از وجوب، بر وجوب دلالت ندارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۹۰)

۲.۳. قاعده حفظ علو اسلام و عزت مسلمین

این قاعده اگرچه بیشتر در رابطه با مبادلات تجاری و گاهی سیاسی در نظر گرفته شده است، اما اطلاق آن بحث مورد نظر ما را نیز در بر می‌گیرد به خصوص که در عصر ارتباطات به سر می‌بریم و ارتباطات اجتماعی عنصر مهمی در غلبه و برتری بر دیگران شمرده می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۹۵)

۲.۴. قاعده اهتمام امور مسلمین

طبق این قاعده هر گاه تمام یا بخشی از جامعه در معرض خطر قابل توجه قرار گیرد بر دیگران لازم است که برای رفع آن اقدام نمایند. در فرض ما اگر این مهم مسئولیت‌پذیری

اجتماعی باشد که مبتنی بر تربیت اجتماعی است آن گاه عموم مردم و به نحو واجب کفایی والدین مکلف به تربیت اجتماعی نسلی نو هستند. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)

علاوه بر قواعد عامه اجتماعی، قواعد عامه تربیتی نیز بر بحث ما دلالت دارند که از آن جمله قاعده امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل و قاعده هدایت است. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۲۶-۱۰۲)

۳. ادله خاص وظیفه‌مندی مریبان در تربیت اجتماعی

تعلیم و تربیت اجتماعی فرزندان از جمله پرورش روحیه نوع‌دوستی در آنان در ادله به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. قاعده وقایه، نامه ۳۱ نهج البلاغه، سیره عقلا و سیره حضرت لقمان از جمله ادله خاصی است که می‌توان به آن‌ها تمسک جست.

۳.۱. قاعده وقایه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت گیر نگهبانند و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند.

امثال تکلیف الزامی وقایه مستلزم امر و نهی و اقدامات تربیتی و تعلیمی لازم برای التزام فرزند به واجبات و محرمات است و والدین نسبت به تربیت فرزندان در محدوده تکالیف الزامی آن‌ها تکلیف واجب دارند. بی توجهی والدین نسبت به تربیت اجتماعی فرزندان موجب اخلال در رشد اجتماعی کودک شده و از مسئولیت‌پذیری آنان در جامعه می‌کاهد.



فرزندی که از رشد اجتماعی مناسب برخوردار نباشد در ارتباط اجتماعی با دیگران و رعایت حقوق آن‌ها دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳۲)

۳. ۲. سیره عقلا

انسان بالفطره موجودی اجتماعی است و به اعتراف عقلای عالم تامین حداکثر مصالح اجتماعی برای عموم افراد اهمیت زیادی دارد. این امر از بُعد نظری نیازمند جعل قوانین و از بُعد عملی بر مبنای تعهد افراد نسبت به رعایت تکالیف اجتماعی و جلوگیری از وقوع مفسد اجتماعی است. ترک مسئولیت در این زمینه موجب هرج و مرج و از هم گسیختگی نظام اجتماعی شده و مورد ذم عقلای عالم است. بدین جهت است که تربیت نسلی نو توسط والدین مورد توجه قرار گرفته است. این سیره گرچه در زمان معصوم بوده و ردعی بر آن وارد نشده است اما تنها می‌تواند مفید استحباب باشد، اما اگر اقتضای ارتکازات عقلایی را به آن ضمیمه کنیم می‌تواند مفید رحجان و لزوم باشد. از آنجا که اگر والدین در تربیت فرزندان کوتاهی نموده و سبب بی‌نظمی و اختلال امور اجتماعی مردم شود والدین مورد مذمت قرار می‌گیرند. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۳۲)

۳. ۳. نامه ۳۱ نهج البلاغه

يَا بَنِي اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ
 اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمَنَّ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يَحْسَنَ
 إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اِضْ مِنْ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ
 مِنْ نَفْسِكَ.

امام علی علیه السلام در راستای برشمردن معیارهای روابط اجتماعی به فرزند خود امام حسن علیه السلام این گونه وصیت می‌فرماید:



ای پسر نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود! نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی.

امام علی علیه السلام ضمن توصیه به فرزندش در راستای اهداف تربیتی خویش، اصول و قوانین عامه‌ای که در روابط اجتماعی انسان با دیگران حاکم است را نیز بیان می‌کند. ایشان به این اصل کلی اشاره می‌فرماید که هر کس در روابط اجتماعی و برخورد با انسان‌های دیگر، خویش را ملاک و میزان قرار داده و خود را جای دیگران قرار داده تا بتواند در روابط خود در برابر دیگران بهترین عملکرد را ارائه دهد.

دوستی با دیگران و برخورد شایسته داشتن با آن‌ها از واگرایی و تفرقه در جامعه جلوگیری می‌کند و زمینه ساز وحدت و همگرایی خواهد بود.

با توجه به تأکید امام نسبت به تربیت فرزندشان، این روایت حداقل بر استحباب دلالت میکند اما با توجه به وجود قرائنی از جمله خطر هلاکت و نابودی فرزند که امام نیز به آن اشاره کردند می‌توان لزوم و وجوب تکلیف را برای والدین به دست آورد. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳۷ و ۱۳۸)

۳.۴. سیره حضرت لقمان

در ادامه ادله قابل استناد برای اثبات وظیفه‌مندی والدین در تربیت اجتماعی فرزندان به سیره حضرت لقمان می‌پردازیم، خداوند متعال در سوره مبارکه لقمان، توصیه‌های ایشان به فرزندش را بیان داشته که قسمتی از آن‌ها ناظر به تربیت اجتماعی است.



حضرت لقمان اگرچه از پیامبران نبودند اما سیره ایشان همواره مورد ستایش بوده و به عنوان الگویی برای مسلمانان در قرآن ذکر شده است:

- «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ». (لقمان: ۱۸)

و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد.

- «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ». (لقمان: ۱۹)

و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آواها بانگ خران است.

حضرت لقمان با بیان برخی از توصیه‌ها به فرزندش، در تربیت اجتماعی او می‌کوشد و نحوه صحیح ارتباط با مردم و زندگی جمعی را به او می‌آموزد. التزام به رفتارهای شایسته در مقابل نوع انسان و پرهیز از رفتارهای ناپسند و ناخوشایند از جمله توصیه‌های حضرت لقمان به فرزند می‌باشد.

سیره عملی به تنهایی مفید اباحه است لکن سیره حضرت لقمان به خاطر وجود قرائنی مانند بزرگداشت ایشان در قرآن و... مفید رجحان و استحباب است. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۰ و ۱۴۱)

نتیجه:

برای اثبات وظیفه‌مندی والدین در تربیت اجتماعی فرزندان با تأکید بر نوع‌دوستی به ادله و قوانین عامه و خاصه تمسک جستیم و ادله مربوط به وظیفه‌مندی والدین در این باب بیان شد. در نهایت وظیفه‌مندی والدین در تربیت اجتماعی فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه

نوع دوستی به نحو لزوم و وجوب عینی و تعیینی با قاعده وقایه و وجوب کفایی و رجحان و استحباب با بقیه ادله اثبات گردید.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابراهیمی، جواد (۱۳۹۷)، بررسی فقهی وظایف والدین در تربیت اجتماعی فرزندان، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۰ق)، مقایس الغه، مصر: دارالنشر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دارالصار.
۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۷)، فقه تربیتی، قم: اشراق و عرفان.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴)، الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین.
۶. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مشهد: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. حلی، فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: اسماعیلیان.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. رازقی، علیرضا (۱۳۹۵)، «بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع دوستی به عنوان یک هدف تربیتی»، نشریه اسلام و پژوهش های تربیتی، ش ۱۵.



۱۰. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، تهران.
۱۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، چ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۲. علم الهدی، سید مرتضی (بی تا)، *جمل العلم و العمل*، مندرج در نرم افزار جامع فقه اهل بیت، نسخه ۱/۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
۱۴. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *مصباح المنیر*، مندرج در نرم افزار جامع التفاسیر، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.